

چگونگی حال مجرمان در قیامت

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره های قرآن کریم به سوره مبارک غاشیه (پوشش) می‌رسیم که خداوند متعال در آیات یک تا ۷ آن می‌فرماید: «هَلْ أَتَاكَ خَبِيرٌ الْغَاشِيَةِ، وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٍ، عَامِلَةٌ نَاصِيَةٍ، تَضَلَّى نَارًا حَافِيَةٍ، تُسْفَى مِنْ غَيْنٍ أَنْتَهِ، لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ، لَآ يَشْمُونَ وَلَا هِنْفٌ مِنْ جُوعٍ، آيَا خَيْرِ أَنْ حَادَثَهُ فِرَاقُكِيرَ بِه تَوَرَّسِيده است؟ در آن روز، چهره‌هایی خوار و زبون‌اند! با آنکه [تلاش کرده و رنج برده‌اند، به آتشی سوزان درآیند و از چشمه‌ای جوشان، نوشانده شوند و خوراکی جز خار خشک و تلخ ندارند که نه فربه‌کند و نه گرسنگی را از میان برد.

این سوره ۲۶ آیه دارد و در مکه نازل شده است و مثل دیگر سوره‌های مکی، به حالات بهشتیان و دوزخیان می‌پردازد. آیات ابتدایی، بیان چگونگی حال مجرمان در قیامت است که ذلت و ترس از عذاب و کیفرهای عظیم آن روز، تمام وجود آن‌ها را فرامی‌گیرد. در اینجا سه کلمه از این آیات را بررسی می‌کنیم که نشان‌دهنده شدت عذاب الهی است. در آغاز سوره به نام تازه‌ای درباره قیامت برمی‌خوریم که «غاشیه» است، به معنای پوشاننده و منظور از آن، حادثه قیامت است که همه انسان‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد. مراد از «وَجُوهٌ» نیز ممکن است صاحبان چهره‌های برجسته باشد که کارهای پرزحمت فراوانی در دنیا انجام می‌دهند، ولی چون اخلاص در آن نیست باطبق دستور الهی انجام نشده است، هدر می‌رود و در قیامت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. همچنین در مورد «ضریع» در روایات آمده که چیزی است در دوزخ، شبیه به خار که از مردار، بدبوتر و از آتش، داغ‌تر و بسیار تلخ است و خوردن آن، انسان را به فریاد و تضرع وادار می‌کند.

حکمت

ایستادگی؛ میراث جاودان عدالت

علیه‌وآ امام علی علیه السلام در خطبه ششم نهج البلاغه، هنگامی که به ایشان پیشنهاد شد از تعقیب طلحه و زبیر دست بردارند و در برابر آنان موضعی منفعلانه بگیرند، پاسخ می‌دهند که امروز نیز چراغ راه ماست. ایشان با تشبیهی گویا، هرگونه انفعال و تسلیم را رد می‌کنند: «وَاللَّهِ أَكُونُ كَالْمُطِيعِ قَتَامَ عَلَى حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهَا طَائِلُهَا وَيُغَيِّبَهَا رَاصِدُهَا، به خدا سوگند، من همانند آن کفتار نیستم که با آواز کوبیدن سنگ و چوب در کنامش، به خوابش کنند. تا بر در کنام رسند و صیادانش به فریب، به دام اندازند.»

این خطبه، تصویری روشن از شخصیت امام علی علیه السلام ارائه می‌دهد؛ کسی که فریب ظاهرسازی‌ها را نمی‌خورد و در برابر توطئه‌ها ایستادگی می‌کند. امام در ادامه می‌فرماید: «وَلَكِنِّي أَضْرِبُ بِالْمُغْيَلِ إِلَى الْحَقِّ الْمَذْبُورِ عَنْهُ وَيَالشَّامِيعِ الْمُطِيعِ الْغَاصِيِ الثَّرِيبِ أَبَدًا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى يَوْمِي، بلکه به پایمردی یارانی که روی به حق دارند، روی برتافتگان از حق را فرومی‌کوبم و به مدد کسانی که گوش به فرمان من نهاده‌اند، شورگرانی را که همواره در حق من تردید می‌ورزیده‌اند، می‌زنم و این شیوه من است تا مرگم فرارسد.»

امام علیه السلام در بخش پایانی خطبه، با اشاره به غصب حق خود پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، می‌فرماید: «فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ مَذْفُوعًا عَنْ حَقِّي مُسْتَأْثَرًا عَلَى مُذْ قُبِضَ اللَّهُ تَبَيُّهُ صَلَّى الله علیه و آله حَتَّى يَوْمَ النَّاسِ هَذَا، سوگند به خدا از آن زمان که رسول الله صَلَّى الله علیه و آله رخت به سرای دیگر برده است تا به امروز مرا از حقم بازداشته‌اند و دیگری را بر من برتری داده‌اند و برگزیده‌اند.» این سخن، بیانگر صبر و استقامت امام در برابر ظلم است؛ صبری که هرگز به تسلیم، منتهی نشد. درس بزرگ این خطبه برای امروز ما، پرهیز از انفعال در برابر توطئه‌ها و ایستادگی بر اصول حق است.

جامعه‌ای که در برابر ظلم سکوت کند، سرنوشتی جز اسارت ندارد. امام علی علیه السلام با این کلام، به ما می‌آموزند که دفاع از حق، وظیفه‌ای همیشگی است و هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند ما را از این مسیر بازدارد. «أَبَدًا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى يَوْمِي، این شیوه من است تا مرگم فرارسد.»

احکام

بررسی دیدگاه مراجع تقلید

درباره یارانه و خمس

سمانه رضوانی| یکی از پرسش‌ها در زمینه خمس این است که آیا مبلغ یارانه‌ای که دولت به حساب سرپرستان خانوار واریز می‌کند، مشمول خمس می‌شود یا خیر. خمس به معنای پرداخت یک پنجم از درآمد مازاد بر مخارج سالانه است و در فقه اسلامی احکام مشخصی دارد. از آنجا که یارانه، نوعی کمک دولتی محسوب می‌شود و نه درآمد ناشی از کار یا تجارت، برخی فقها آن را مشمول خمس نمی‌دانند و برخی دیگر با احتیاط واجب، شرط گذاشته‌اند که اگر از سال خمس‌ی بگذرد، خمس دارد.

آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای

اصل پول یارانه کسب نیست، لذا خمس ندارد.

آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی

یارانه‌ها در حکم هدیه هستند و اگر سال خمس‌ی بر آن بگذرد، بنا بر احتیاط واجب خمس دارد، ولی با توجه به هزینه‌های بالای زندگی قشرهای ضعیف و متوسط و برای رعایت حال افراد، خمس آن را می‌بخشیم.

آیت‌الله‌العظمی سیدعلی سیستانی

یارانه‌هایی که دولت به حساب بانکی افراد سرپرست خانوار (حساب پس انداز یا حساب جاری) به‌صورت انتقال اعتباری پول از طریق شبکه شتاب بانکی واریز می‌کند، تا زمانی که وجوه مذکور از حساب بانکی به‌صورت مبلغ نقدی برداشت نشده، مشمول خمس نمی‌باشد، اما اگر وجوه فوق برداشت و تملک شود، جزو درآمد همان سال محسوب می‌شود و چنانچه تا پایان سال باقی بماند و صرف در مؤونه نگردد، مشمول خمس خواهد بود.

جمع بندی

همان‌گونه‌که مشاهده می‌شود، فتوای مراجع در این باره متفاوت است. شهیدآیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای یارانه را به‌کلِ بدون خمس می‌دانند؛ زیرا آن را کسب نمی‌شمارند. آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی آن را در حکم هدیه دانسته‌اند و بنا بر احتیاط واجب، در صورت گذشت سال خمس‌ی، خمس دارد. اما خودشان خمس آن را برای اقتدار ضعیف و متوسط بخشیده‌اند. آیت‌الله‌العظمی سیستانی میان حالت برداشت و عدم برداشت، تفاوت قائل شده‌اند، «تا وقتی پول در حساب بانکی باقی است، خمس ندارد ولی پس از برداشت و تملک، جزو درآمد سال محسوب می‌شود و اگر تا پایان سال خرج نشود، خمس دارد.»

شکر



معارف

مروری بر الزامات و آثار انس با کتاب خدا

در هوای قرآن تنفس کنیم



آمنه مستقیمی| قرآن کریم به عنوان نسخه نجات بخش خدای متعال برای درمان همه دردهای بشر و نیز به‌عنوان معجزه‌ای که به بیان آیات الهی هیچ‌وقت غبار کهنگی، گذر زمان و قید مکان بر اثرگذاری آن تأثیر ندارد، نه‌فقط هنگام نزول بر قلب مبارک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بلکه در همه دوران‌ها به‌ویژه عصر آخرالزمان که انسان به مصیبت‌ها، مشکلات و بحران‌های مختلف مبتلاست، می‌تواند در مان‌گر و گره‌گشا و راهنمای انسان باشد و راه را از بیراهه و سعادت را از بدبختی و شقاوت به او نشان دهد، به‌شرط آنکه با آن انس داشته باشد و خود را در مسیر نسیم روح بخش آن قرار دهد. مروری داریم بر آثار و برکات انس با قرآن در رسیدن به احسن الحال.

انس، نیازمند تدبیر و طمأنینه است

سومین مرحله‌ای که در مسیر انس با قرآن باید طی شود، قرائت قرآن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره همین قرائت قرآن می‌فرمایند: «فرزندم! از خواندن قرآن غافل مباش؛ زیرا قرآن، در دل مرد رازنده می‌کند و از فحشا و زشتی بازمی‌دارد.» (البهران فی تفسیر القرآن، ج یک، ص ۱۹). مرحله بعدی در مسیر انس با قرآن، تدبیر و تأمل در آیات آن است که اهمیت بسیار دارد، چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «قرآن را یاد بگیرد که بهترین سخن است و در آن اندیشه کند که چون بهار است.» (تحف العقول، ص ۵۰)

ایشان همچنین تأکید می‌کنند: «قرآن را به سرعت قرائت نکنید و در پی آن نباشید که سوره را به آخر برسانید، قلوبتان باید به خشوع درآید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱)

انس با قرآن در عمل، خود را نشان دهد

مانوس شدن با گوهر قرآن زمانی آثار فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد که در عمل، خود را نشان دهد و رفتار انسان را تغییر دهد و به مسیر صلاح ببرد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که قرآن را حفظ و به آن عمل کند، با پیامبران بزرگوار و نیکو همنشین خواهد بود.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۳) و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره‌ی بی‌توجهی به عمل به قرآن فرموده‌اند: «کسی که قرآن را بیاموزد و به آن عمل نکند و دنیا و زینت آن را بر قرآن ترجیح دهد، سزاوار خشم خداست و در ردیف یهود و نصاری قرار خواهد داشت که کتاب خدا را پشت سر انداختند.» (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۴)

اگر انس با قرآن خود را در عمل نشان دهد، بسیاری از مصائب و مشکلات امروز به‌ویژه از نظر ابتلا به بیماری‌های روحی و خلقی و رف‌ت و آمد به دادگاه‌ها و دعاوها، اصلا بروز نمی‌کند تا نیازمند حل‌وفصل باشد.

به بهترین راه هدایت می‌کند

بسیار پیش می‌آید که بر سر دوراهی‌های زندگی گیر می‌کنیم و نمی‌دانیم راه درست کدام است و می‌ترسیم با یک انتخاب اشتباه، دچار بحران و مشکلات فراوان شویم یا اساساً نمی‌دانیم برای رشد و اعتلا باید چه مسیری را انتخاب کنیم و در آن پیش برویم؛ انس با قرآن و قرار گرفتن در محضر آن و تفکر و اندیشه در مفاهیم نابش، این مشکل را حل می‌کند. قرآن خود در بیان این ویژگی خاص می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلْأْتِ هِیَ أَقْوَمُ... همانا این قرآن، خلق را به استوارترین راه هدایت می‌کند.» (اسراء، ۹)

این وعده قرآن، دل را به هدایت و دستگیری از انسان، آرام می‌کند و بهترین مشوق است که چتر غفلت از سر برداریم و خود را در معرض انوار ترائی کتاب خدا قرار دهیم.

آداب انس با قرآن

همنشینی با قرآن با این همه آثار و برکات به زبان و لفظ نیست، بلکه آدابی دارد، باید راهی را طی کنیم تا به مرحله انس با آن برسیم. این توفیق یا خصلت با نگاه به آیات قرآن، آغاز می‌شود، چنان‌که برخی روایات، نگاه کردن به قرآن را عبادت معرفی می‌کنند.

ابودر غفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمودند: «نگاه کردن به قرآن، عبادت است.» (بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۹۶) پس از آن گوش کردن به صوت و آوای قرآن است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند: «هرکه به آیه‌ای از کتاب خدا گوش فرادهد، خداوند برای او حسنه مضاعف می‌نویسد و هر که آن را تلاوت کند، [آیات آن] همچون نوری در قیامت، برایش جلوه خواهد کرد.» (مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ح ۸۵۰۲).

درمان همه ترس‌ها و دلهره‌هاست

«انس» در لغت، معنایی مقابل «وحشت» دارد و انس انسان به چیزی، بدین معناست که از آن، هیچ وحشت و اضطرابی ندارد و همراه با آن به آرامش می‌رسد. قرآن کریم مؤنسی است که در شرایط عادی و نیز در بحران‌ها و سختی‌های زندگی، می‌تواند بهترین همدم انسان باشد؛ امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «وقتی قرآن با من باشد، اگر همه مردم که مابین مشرق و مغرب هستند، بمیرند و هیچ موجودی روی زمین زنده نماند و من تنها باشم، هرگز از تنهایی وحشت نمی‌کنم.» (کافی، ج ۲، ص ۶۰۲) همین بیان از حضرت سید الساجدین علیه السلام کافی است تا ارزش انس با قرآن را بدانیم؛ اینکه همه ترس‌ها با آن از بین می‌رود و دیگر هر اتفاقی، انسان را دچار اضطراب و دلهره نمی‌کند و لازم نیست برای درمان آن، سراغ آرام‌بخش‌ها و روان‌شناسان یا خدای ناکرده نسخه‌های خطرناک برود.

در بن‌بست‌ها به قرآن پناه ببرید!

انس با قرآن درکنار احساس آرامش و امید و انگیزه‌ای که به مخاطب خود می‌دهد، درمان همه دردها و راهکار همه مشکلات را نیز در خود دارد: «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله با نگاه به این ویژگی، درمان همه مشکلات را در قرآن می‌دانند و می‌فرمایند: «هرگاه کارها چون شب ظلمانی برایتان مشتبه و تاریک شد، به قرآن پناه ببرید؛ چون او شفیعی است که شفاعتش، پذیرفته می‌شود و شاهدهی است که تصدیق شده است. هرکه او را رهبر خویش گرداند، وی را به بهشت رهنمون می‌سازد و هرکه بدان پشت یازند، به جهنم سوقش می‌دهد. قرآن، روشن‌ترین راهنما به‌سوی بهترین راه‌هاست.» (عه‌الداعی، ص ۲۶۸)

ادب؛ جوهره نماز

تحلیلی از نظریه «نماز به‌مثابه ادب در محضر خداوند»



چهره استاد حوزه و دانشگاه اسلام والمسلمین ابو الفضل قزوینی

می‌کنند؛ خضوع (ادب ظاهری) و خضوع (ادب باطنی). خضوع یعنی رعایت آداب ظاهری؛ دست‌ها را روی ران گذاشتن، به مهر نگاه کردن، آرام می‌دید. (المناقب، ج ۴، ص ۱۲۸) این حالت، نه ترس به سمت قبله بودن، پوشش تمیز و نظیف داشتن و... خضوع یعنی دل نیز همان تواضع را داشته باشد؛ حضور قلب، توجه کامل به خداوند و غفلت‌زدایی از هر چیز دیگر. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که دلش در برابر خداوند خاشع باشد، جوارح او نیز خشوع خواهند داشت و بنابراین، به چیزی سرگرم نمی‌شود و حواسش پرت نمی‌شود.» (الغصال، ج ۲، ص ۶۱۰) یعنی ادب بیرونی، میوه ادب درونی است. اگر دل در محضر خدا حاضر باشد، دست و چشم و اعضا نیز خود به‌خود مؤدب می‌شوند.

سیره علما؛ ادب در عمل

تاریخ، نمونه‌های بی‌شماری از این «ادب در محضر خدا» را ثبت کرده است. این‌ها نشان می‌دهد ادب در محضر خداوند در شکل و قالب نماز و باطنی‌زیسته در طول قرن‌ها بوده است. امام سجاد علیه السلام هرگاه برای نماز وضو می‌گرفتند و به نماز می‌ایستادند، چهره‌شان

است، همان‌که اصلا خود بزرگ بینی ندارد. از سجده در برابر خداوند دوری نمی‌کند و برای ادای احترام، تنبلی و کوتاهی نمی‌کند.

نماز؛ تجلیگاه ادب

امام صادق علیه السلام در بیانی عمیق، ساختار درونی نماز را به دو عنصر بنیادین تقسیم می‌کنند: «وَفِي الرَّكْعَةِ آدَبٌ وَفِي السُّجُودِ قُرْبٌ وَمَنْ لَا يَخْشَى الْأَدَبَ لَا يَصْلُحُ لِلْقُرْبِ؛ رکوع، ادب است و سجود، قرب و نزدیکی به خداوند، کسی که ادب را نیکو به‌جا نیاورد، شایسته قرب نیست.» (مصباح‌الشریعه، ج یک، ص ۸۹)

این روایت، کلیدی طلایی برای فهم رابطه بین نماز و ادب است. رکوع، اظهار بندگی در برابر عظمت الهی است؛ همان «سربه‌استان ساییدن» سجود، اوج این ادب است که به قرب می‌انجامد. پس اگر کسی نماز می‌خواند اما به این حقیقت ادب در ظاهر و باطن نماز توجه ندارد (یا حضور قلب ندارد، یا به‌موقع نمی‌خواند یا با عجله نماز می‌خواند) نمازش نماز نیست.

ادب ظاهری و ادب باطنی

علمای اخلاق، ادب در نماز را به دو لایه تقسیم